

**مصوبه شورای عالی فضای مجازی و نگرانی‌هایی درباره احتمال آغاز رسمی محدودسازی اینترنت**

# نت دور خورد؟

**قالیباف جا خالی داد، صیانت به نام رئیسی شد**

دوای عدالت اداری حذف طرح است.

**وحیده کریمی** : شورای عالی فضای مجازی به ریاست رئیس جمهور بخشی مهم از طرح صیانت را تصویب کرد. همان طرح صیانت با بهتر بگویم طرح محدودسازی اینترنت که با تلاش تندروهای مجلس نوشته شد تا با کاهش دسترسی‌ها، کاربران فضای مجازی از حق دسترسی به جامعه آزاد اطلاعات محروم شوند و با جیره‌بندی اینترنت کم‌کم کاربرد آن را به فراموشی سپارند تا دیگر افشای فساد مدیران و مسئولان در فضای مجازی مانع آرامش خدمتگزاران مردم نشود.. زیرا هنوز فراموش نکرده‌ایم که اولین طرح نمایندگان مجلس بعد از انتشار تصاویر مجرای برخورد یک نماینده مجلس با سرسبز را هور نوشته شد و در همان متن ابتدایی ضبط و انتشار ویدئوهایی از این دست جرم‌نگاری و مستوجب مجازات تشخیص داده شده بود. حال گویا طرحی که حداقل چهار بار تغییر شکل کلی داد تا به نسخه بهمن سال گذشته برسد بدون دردرس در شورای عالی فضای مجازی تصویب شده است. انتخاب در گزارشی به نقل از توئیتر محمد کشوری، کارشناس فناوری اطلاعات که در صفحه شخصی خود خبر تصویب طرح صیانت را داده، نوشته است: «در بخشی از طرح موسوم به طرح صیانت (بر اساس نسخه ۹ بهمن به نام نظام تنظیم‌گری) که شامل اعضا و اختیارات کمیسیون عالی تنظیم مقررات بوده و برای تصویب به شورای عالی فضای مجازی ارجاع شده بود، توسط این شورا به تصویب رسید و برای اجرا ابلاغ شد. به این ترتیب کمیسیون عالی تنظیم مقررات با ترکیب اعضا و وظایف کاملا متفاوت نسبت به گذشته در جایگاه «تنظیم‌گر تنظیم‌گران» فضای مجازی ایفای نقش می‌کند». صحبت از اختیارات تام و تمامی است که هر آنچه‌ای این شورا بخواهد می‌تواند در صیانت اجباری مردم در فضای مجازی به منصف ظهور برساند.

نکته مهم در نسخه ۹ بهمن این است که ماحصل کار مشترک تندروهای مجلس، متن پیشنهادی دولت و انتقادات مرکز پژوهش‌های مجلس و البته با نیم‌نگاهی به اعتراض‌های گسترده افکار عمومی بود. هرچند در آن زمان، همه اعتراض‌ها و کمپین‌های فعالان و صاحبان کسب‌وکارهای مجازی و انتقادات گسترده کارشناسان و افکار عمومی به رفتار تندروهای مجلس سبب بی‌اثرشدن دولت مملو از ایراد و خلاف قانون اساسی بهارستان‌نشینان شده بود، اما اکنون توسط شورای عالی فضای مجازی پوچ شد و

## در گفت‌وگوی «شرق» با سیدوحید کریمی بررسی شد

# روابط تهران-لندن در دوران نخست‌وزیری

# لیز تراس به چه سمتی خواهد رفت؟

♦ به باور شما با کنارترفتن بوریس جانسون و روی کار آمدن لیز تراس به‌عنوان نخست‌وزیر انگلستان روابط تهران - لندن چه اقتضائاتی پیدا خواهد کرد؟ چون این گزاره تحلیلی و وجود دارد که نباید و نمی‌توان شاهد تحول خاص و شگرفی در روابط دو کشور بود؛ به‌خصوص آنکه هم جانسون و هم تراس اساسا از حزب محافظه‌کار هستند.

بی‌گمان این گزاره تحلیلی کاملا درست است که با روی کار آمدن لیز تراس هم تحول چندان گسترده و عمیقی در روابط انگلستان و جمهوری اسلامی ایران شکل نخواهد گرفت.

♦ دلیل با دلایل این سکون و روابطه نیمه‌سرد چیست؟ چرا با تغییر نخست‌وزیرها و دولت‌ها در لندن، روابط با تهران از سسکون خارج نمی‌شود؟ آیا صرفا مسئله به عدم احیای برجام بازی می‌گردد؟

برجام هم یکی از چالش‌های تهران و لندن است. به هر حال انگلستان نیز یکی از اعضای برجام است که گاه‌وبیگاه فشارهای سیاسی و دیپلماتیک جدی را به تهران در حوزه برجام و حصول توافق وارد می‌کند. اما به نظر من مسئله عمیق‌تر از برجام است. یعنی با حصول توافق و احیای برجام هم این روابط به قول شما نیمه‌سرد بین ایران و انگلستان به سمت گرم‌شدن پیش نخواهد رفت.

♦ اما این عوامل ناظر بر چه مسائلی است؟

نخستین عامل به خاستگاه‌های تاریخی و حافظه منفی افکار عمومی جامعه داخل کشور از عملکرد بریتانیا در ایران، هم در دوره قاجار و هم در دوره پهلوی بازمی‌گردد. لذا از ابتدای انقلاب اسلامی نتایج و بدبینی بین تهران و لندن نسبت به هم‌دیگر در روابط دو طرف حاکم بوده است. در ضمن اگر شما به برخی اتفاقات چند سال اخیر نگاه کنید می‌بینید که مسئله ارتباطی به برجام ندارد؛ از دستگیری برخی افراد دوتابعیتی ایرانی-انگلیسی توسط ایران گرفته تا اقدام بریتانیا برای توقیف نفتکش ایران و دیگر مسائل. پس اساسا تغییر نخست‌وزیر در انگلستان نمی‌تواند به‌عنوان نقطه عطفی در روابط دو طرف عمل کند؛ به‌ویژه که لیز تراس هم از حزب محافظه‌کار است.

پس روابط تهران – لندن در دوران وی نیز با همین شرایط پیش خواهد رفت؛ کم‌اینکه در دوران بوریس جانسون و پیش از او ترزا می نیز روابط با ایران به صورت کج‌دار و مریز پیش رفته است.

♦ **روی مقوله برجام و تأثیر آن بر مناسبات ایران و انگلستان در دوره تراس تمرکز کنیم.** به باور شما حصول یا عدم حصول توافق چه تأثیری بر روابط دو طرف دارد؟

همان‌گونه که قبلا گفتف و دوباره هم تاکید می‌کنم احیای برجام نمی‌تواند به صورت چشمگیری روابط تهران و لندن را در دوره خانم تراس متحول کند؛ البته با فرض اینکه اگر برجام در زمان نخست‌وزیری وی و تا قبل از پایان کار تراس به سرانجام برسد. اما برعکس آن کاملا صدق می‌کند؛ یعنی اگر در نهایت مذاکرات به نتیجه نرسد یا شاهد شکست گفت‌وگوها بر سر احیای برجام باشیم، به‌دین شک روابط تهران و لندن، چه در دوره خانم لیز تراس یا هر فرد دیگری به‌شدت تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت.

♦ **پیرو نکته شما آیا شدت تأثیر شکست مذاکرات بر روابط ایران و انگلستان بیشتر از سایر کشورهای اروپایی و حتی آلمان و فرانسه به‌عنوان دو عضو دیگر اروپایی حاضر در برجام خواهد بود؟**

ردون ششک شدت تأثیرات مخرب شکست مذاکرات هسته‌ای در وین روی آینده روابط ایران و انگلستان به مراتب بیشتر از دیگر کشورهای اروپایی یا دو عضو دیگر اروپایی حاضر در برجام یعنی آلمان و فرانسه است.

♦ **علت آن چیست؟ آیا آن‌گونه که بسیاری معتقدند به دلیل همراهی و همسویی پررنگتر انگلستان با سیاست‌های ایالات متحده آمریکا است که به‌خصوص بعد از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا دوچندان شده‌است؟**

بله. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا که توسط همین حزب محافظه‌کار نهایی شد، شرایطی را رقم زد که لندن برای برگردن خلا مناسبات سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و حتی امنیتی خود با اتحادیه اروپا به شکل بسیار پررنگتری به ایالات متحده آمریکا تکیه کند. بنابراین اگر دقت کرده باشید انگلستان، هم در دوره دونالد ترامپ و هم در دوران ریاست‌جمهوری جو بایدن همراهی، همسویی

**عبدالرحمن فتح‌اللهی** : لیز تراس، وزیر امور خارجه دولت بوریس جانسون دوشنبه هفته جاری و در بی اعلام

نتایج انتخابات درون حزبی در حزب محافظه‌کار به‌عنوان رهبر این حزب و نخست‌وزیر آینده بریتانیا انتخاب شد. او پنج‌اوششمین نخست‌وزیر این کشور و سومین نخست‌وزیر زن تاریخ بریتانیا پس از مارگارت تاچر و ترزا می است که از دیروز رسما کار خود را در ساختمان شماره ۱۰ خیابان داونینگ (دفتر نخست‌وزیری) به‌عنوان نخست‌وزیر انگلستان آغاز کرد. فارغ از تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم این تغییرات سیاسی بر اقتضانات اروپا و نظام بین‌المللی، آنچه برای جمهوری اسلامی حائز اهمیت است، روی کار آمدن نخست‌وزیر جدید انگلستان و به تبع آن آینده روابط دو کشور است. اما اینکه آغاز نخست‌وزیری لیز تراس چه تأثیر مثبت یا منفی ای بر روابط تهران و لندن خواهد گذاشت و مناسبات دو کشور در دوران نخست‌وزیر جدید انگلستان چه اقتضائاتی پیدا خواهد کرد، سوالی است که «شرق» پاسخش را در گفت‌وگو با سیدوحید کریمی بی گرفته است. آنچه در ادامه می‌خوانید ماحصل کپ‌وگفت با سفیر ایران در نامیبیا، عضو گروه اروپا-آمریکا دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه و تحلیلگر ارشد اروپاوست.



به وضعیت داخلی سروسامان دهد. بنابراین لندن چهاره‌ای ندارد جز اینکه در مسیر ریل‌گذاری‌شده کاخ سفید گام بردارد. این نگاهی بود که در دوره بوریس جانسون به شکل پررنگی محور سیاست خارجی بریتانیا قرار گرفت؛ تا جایی که اکنون درخصوص جنگ اوکراین نیز شاهد دو جبهه کاملا متضاد هستیم که در یک طرف آن ائتلاف «واشنگتن - لندن» قرار دارد که به دنبال تداوم و تشدید و نوعی فرسایشی‌کردن جنگ اوکراین با هدف زمین‌گیرکردن روسیه است و در مقابل سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و ایتالیا در یک جبهه واحد در مقابل نگاه انگلستان و ایالات متحده آمریکا قرار دارند و سعی می‌کنند به هر نحوی که شده، شرایط را برای تعدیل و فروکش‌کردن جنگ در اوکراین هموار کنند تا عواقب و تأثیرات مخرب کمتری روی اروپا داشته باشد. همین رویه هم درباره برجام صدق می‌کند؛ یعنی انگلستان به شکل پررنگ‌تری از آلمان و فرانسه در سیاست‌های ضدایرانی با آمریکا همراهی خواهد کرد؛ کم‌اینکه درباره چین هم دیدیم همین انگلستان با پیمان «اکواس» در کنار آمریکا ایستاد و پروژه فروش زبردنی‌هایی به آلمان به استرالیا با هدف مهار چین را کلید زد؛ تا جایی که روابط پاریس و لندن در برهه‌ای به‌شدت تیره و تار شد و حتی ژان ایو لودریان، وزیر امور خارجه سابق فرانسه، این اقدام انگلستان را در تصویب پیمان آکواس نوعی خنجر از پشت و خیانت انگلیسی‌ها به فرانسه تعبیر کرد.

♦ **تحلیل را قری عموق‌تر و وسیع‌تر از روابط ایران و انگلستان کنیم.** آیا تهران در مقطع فعلی به شناخت و همراهی سیاسی و دیپلماتیکی از اتحادیه اروپا و کشورهای عضو به‌خصوص آلمان، فرانسه و انگلستان جداشده رسیده است؛ این نکته از آن جهت اهمیت دارد که علاوه بر برلین، پاریس و لندن به‌عنوان اعضای دائمی برجام، اتحادیه اروپا هم بازیگری مستقل و دائمی در جریان مذاکرات هسته‌ای بوده است. ابتدا به ساکن آیا شما قائل به این همراهی‌نکردن دیپلماتیک اروپایی از جانب تهران هستید؟

متن وزارت ارتباطات در ۱۸ ماده و هفت فصل تنظیم شده بود که تقریبا در فضای کلی‌گویی مانده و شبیه یک لایحه دقیق و کارشناسی نبود. هرچند در مقام مقایسه از متن شتاب‌زده و مملو از ایراد مجلس چیزی کم نداشت و دقیقا در همان فضا نوشته شده بود و شاید قصد دولت یک طرح پیشنهادی بوده، اما این متن هم گره از طرح صیانت در مجلس باز نکرد و یگباره کار به سلب اختیار مجلس از خود کشید و اختیار قانون‌گذاری در این حوزه به شورای عالی فضای مجازی سپرده شد. البته بهارستان‌نشینان غافل از تبعات تصمیم‌گیری‌های خلق‌الساعه خود، حتی مصوب کردند مصوبات این شورا قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری کشور هم نباشد که خوشبختانه در این مورد نظر شورای نگهبان مخالفت مصوبه با قانون اساسی بود و این بند از طرح اصلاح صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری حذف طرح شد.

از زمان کلید‌خوردن طرح صیانت در مجلس، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها بحث فیلترینگ هوشمند و کاهش پهنای باند شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی بود که بحث مسدودسازی اینترنت و فیلتر اپلیکیشن‌های خارجی در نهایت در کمیسیون مشترک مجلس حذف شد، اما سبک حمایت از اپلیکیشن‌های داخلی و محدودکردن شرایط کار اپلیکیشن‌های خارجی همچنان رنگ و بوی مسدودسازی می‌دهد و نگرانی‌ها پابرجاست و بر اساس توضیحات رئیس کمیسیون مشترک، صلاحیت اظهارنظر درخصوص مسدودسازی خدمات پایه کاربردی دارای کاربر زیاد به شورای عالی فضای مجازی واگذار شده است. بنابراین با توجه به مصوبه اخیر نگرانی‌ها مجددا در حال تشدید است. هرچند مدت‌هاست غیررسمی اما کاملا مشهود اینترنت در حال صیانت بود و چندی پیش هم متن نامه‌ای از سوی محسن خاکی، مشاور وزیر کشور و رئیس قرارگاه عفاف و حجاب، خطاب به یکی از مقامات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، منتشر شده که به گزارش اقتصادنیوز در بخشی از آن نامه درخصوص اجرای طرح صیانت آمده است: «ایجاد سیستم فیلترینگ هوشمند را تسریع کنید».

سرعنت لاک‌پشتی این روزهای اینترنت و اختلالات گسترده آن بر کسی پوشیده نیست. البته اگر مجددا به متوقع‌بودن مردم حواله داده نشویم، در همین راستا به گزارش خبرآنلاین، رضا قربانی، عضو هیئت‌مدیره سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران با تاکید بر اینکه در سال گذشته یک روز بدون اختلال اینترنت نداشتیم، از وضعیت نابسامان فعالان این حوزه انتقاد کرد و در عین حال هشدارهایی درخصوص جدی‌گرفتن موج مهاجرت فعالان صنعت آی‌تی و کارشناسان آن داد. وی در توضیح این مطلب ادامه داد: واقعیت این است که وقتی ما در مسیر توسعه هستیم و هر روز تقاضای کسب‌وکارها برای حضور در این

ابتدا به ساکن چند کلیدواژه وجود دارد که هرکدام باید به صورت مجزا بحث شود؛ ما اتحادیه اروپا داریم، قاره اروپا، کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپای منهای بریتانیا؛ در این زمینه شرایط سیاسی و دیپلماتیک هرکدام از این گزاره‌ها متفاوت از دیگری است؛ خصوصا اتحادیه اروپای منهای بریتانیا.

♦ **چرا اتحادیه اروپای منهای بریتانیا برای ایران اهمیت بیشتری دارد؟** چون بیرون‌تکات قلبی که عنوان کردم، اکنون سیاست خارجی لندن در نهایت هماهنگی با واشنگتن قرار گرفته است؛ بنابراین به اعتقاد من باید یک میز جداگانه با عنوان میز سیاست‌های انگلیس و آمریکا در وزارت امور خارجه و دیگر وزارت‌خانه‌ها تعریف کنیم.

♦ **یعنی تا به این حد قائل به اهمیت اتحادیه اروپای منهای بریتانیا هستید؟**

♦ **دلیل این اندازه از اهمیت چیست؟** قبلا گفتف و دوباره هم می‌گویم که چون سیاست، دیپلماسی، تجارت، اقتصاد، فرهنگ و خلاصه همه ابعاد این دو کشور پس از برگزیت به‌شدت در هم تنیده شده است، باید برای اتحادیه اروپای منهای بریتانیا اهمیت قائل بود. باید به این واقعیت انکارناپذیر اشاره کرد که تحولات پس از برگزیت و به‌خصوص شرایط نوین حاکم بر نظام بین‌الملل بعد از جنگ اوکراین به‌روشنی نشان داد که اکنون انگلستان جزیره‌ای در کنار قاره اروپاست، نه جزیره‌ای اروپایی. پس نباید فرض کنیم که انگلستان، چه در دوره بوریس جانسون یا لیز تراس یا هر فرد دیگری یک کشور اروپایی است. انگلستان جزیره‌ای در کنار اروپا، اما متحد واشنگتن؛ تا جایی که لندن منافع قاره سبز را به راحتی فدای منافع واشنگتن می‌کند که مؤید آن هم به جنگ اوکراین بازمی‌گردد. ضمنا بریتانیا بعد از جدایی از اتحادیه اروپا همواره منافع خود را در ایجاد، تداوم و تشدید بحران در اروپا می‌بیند؛ چه بحران درون‌روپایی، چه بحران اروپا با دیگر کشورها از روسیه گرفته تا چین، آمریکا و... در این صورت است که اروپا با چالش‌ها، مشکلات و بحران‌های متعدد مواجه خواهد شد که می‌تواند فرصت لازم را در اختیار لندن قرار دهد. از این منظر قطعا با تداوم جنگ اوکراین تحولات به سمتی پیش خواهد رفت که با موج‌سواری سیاسی، رسانه‌ای، اقتصادی، تجاری و دیپلماتیک لندن همراه خواهد شد. در چنین شرایط پیچیده و در هم‌تنیده‌ای قطعا اتخاذ یک سیاست واقع‌بینانه، هوشمند، منعطف و مبتنی بر واقعیت از سوی دولت سیزدهم در قبال اتحادیه اروپا، اتحادیه اروپا منهای بریتانیا، قاره اروپا و کشورهای اروپایی که هرکدام چارچوب خاص خود را می‌طلبد، کار بسیار زمان‌بر است. به همین دلیل در راستای سؤال قبلی شما من هم معتقدم تهران هنوز به یک معرفت دیپلماتیک در قبال اتحادیه اروپا و اعضای آن نرسیده است، اگرچه در سال‌های گذشته، هم کشورهای اروپایی، هم اعضای اتحادیه اروپا و هم خود اتحادیه اروپا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مذاکرات هسته‌ای و دیگر تحولات جمهوری اسلامی ایران نقش‌آفرین بوده‌اند.

♦ **با این حال مسرزم مهم اثرگذاری اتحادیه اروپا به‌عنوان بازیگر مسئولیت‌پذیر به‌خصوص در حوزه برجام تا کجا به همراهی‌نکردن ایران از قاره سبز دامن زده است؟**

کنک‌بودن و مشخص‌نبودن حیطه مسئولیت‌ها و حوزه اجرایی اتحادیه اروپا در روند مذاکرات به‌خصوص مذاکرات هسته‌ای و مناسبات با جمهوری اسلامی ایران به سهم خود نقش‌آفرین بوده است. این امر سبب شده که تهران به معرفت دیپلماتیکی روشن و ملموسی در قبال اتحادیه اروپا، حتی ذیل توافقات و مناسبات با این اتحادیه دست پیدا نکند.

♦ **چطور؟**

اگر ایران به دنبال مذاکره با طرف مقابل است باید بازیگری را انتخاب کند که به‌شدت مسئولیت‌پذیر باشد و حوزه اجرایی آن برای ما کاملا روشن باشد. در این بین قطعا اتحادیه اروپا به‌عنوان یکی از بازیگران دائمی در مذاکرات هسته‌ای، نه قدرت اجرایی آن چنانی دارد و نه در صورت بروز تخلف، توان پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری دارد. برای مثال اگر تخلفی از جانب اتحادیه اروپا در توافقات شکل بگیرد، ایران باید چه کشوری را در این اتحادیه مسئول بداند؟ مثلا آقای بوریل به‌عنوان مسرور سیاست خارجی اتحادیه اروپا که این روزها خواهان پیش‌بردن متن پیش نویس توافق مدنظرش است، در صورت بروز تخلف فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا یا هر کشور عضو می‌تواند آن کشور را در قبال ایران پاسخ‌گو کند؟ خیر. اما در عین حال همین اتحادیه اروپا نقش پیشران دیپلماتیک در مذاکرات هسته‌ای به‌عنوان هماهنگ‌کننده اعضای ۴+۱ و آمریکا را بر عهده دارد.

فضا بیشتر می‌شود، در نتیجه هر روز به پهنای باند بیشتری نیاز داریم و صحبت سر سرعت اینترنت نوعی مغالطه است.

همچنین عضو هیئت‌مدیره انجمن صنفی کارفرمایی فروشگاه‌های اینترنتی شهر تهران با ارائه آماری مبنی بر اینکه ۱۱ میلیون کاربر ایرانی به اینستاگرام وابستگی دارند، گفت: هر چقدر اختلال بیشتر شود آنلاین و آفلاین‌ها بیشتر ضربه می‌بینند. این اتفاقات در حالی رخ می‌دهد که در طول همه این سال‌ها شعار توسعه اقتصاد دیجیتال از سوی دولت‌ها شنیده می‌شود.

الف‌تنسب با گلایه از افزایش شدیدی اختلالات در اینترنت تاکید کرد؛ متضرر اصلی در این وضعیت کسب‌وکارهای خرد هستند؛ کسانی که قدرت اقتصادی بالا ندارند. او به ابهام موجود در فضا نیز اشاره کرد و ادامه داد: ما نمی‌دانیم دقیقا چه اتفاقی در حال رخ‌دادن است. از یک سو می‌گویند اینستاگرام فیلتر نیست اما از سوی دیگر وضع اختلالات در این شبکه قابل کتمان نیست، با این وضعیت چگونه می‌شود باید داشت که استارت‌آپ‌ها رشد کنند. او به موج خروج فعالان صنعت آی‌تی و برنامه‌نویسان اشاره کرد و گفت: در این فضا می‌بینیم بسیاری به دلیل نبود چشم‌انداز روشن، به پیشنهادات کاری آن سوی آب جواب مثبت می‌دهند.

هم‌زمان با این خبر و گمانه‌زنی‌ها در رابطه با اینترنت ملی و تلاش اولسورکرایان برای کاهش دسترسی کاربران به فضای مجازی، به گزارش فارس سردار سلامی در رابطه با فضای مجازی گفته است: «ما در هزار کردن سازماندهی‌شده و فعال داریم و وضعیت از نظر محتوا، عملیات و زیرساخت بهتر شده است. اگر شبکه ملی اطلاعات راه‌اندازی شود مقدار زیادی از تأثیرات دشمن کاسته خواهد شد». او همچنین گفته است: «مناسفانه دولت قبل اعتقادی به تولید محتوا در فضای مجازی نداشت و حتی یکی از مؤسسات ما را که در حال کار در حوزه فضای مجازی بود، ۵۰۰ میلیارد تومان جریمه کرد». به مراحل قبل از مصوبه شورای عالی فضای مجازی اجرای محدودسازی اینترنت کلید خورده بود. اکنون هم جزئیات مصوبه جدید تا زمان تنظیم این گزارش به‌طور دقیق منتشر نشده و هیچ‌یک از نمایندگان مجلس عضو کمیسیون مشترک که کار تدوین طرح ابتدایی صیانت را بر عهده داشتند، نتوانستند کمکی به این گزارش کنند؛ زیرا یا در جریان جزئیات مصوبه شورای عالی فضای مجازی نبودند یا پاسخ تماس‌های مکرر ما را در «شرق» ندادند. بنابراین فقط بر اساس تصاویر مصوبه که در توئیتر در حال دست به دست شدن است، شورای عالی فضای مجازی رسما صیانت را با اختیار گسترده‌ای که برای خود مصوب کرده در اختیار دارد و این بار گلایه‌های مردمی ممکن است کارساز نباشد.

♦ **آیا قائل به دوطرفه‌بودن مناسبات لندن-واشنگتن هستید یا اینکه فقط انگلستان تابعی از ایالات متحده در قبال ایران و... عمل می‌کند؟**

این سؤال شما اهمیت بسیار زیادی دارد، چون پاسخ به آن به نوعی مکمل و مؤید گفته‌های من درخصوص اهمیت اروپای منهای بریتانیا برای جمهوری اسلامی ایران است. همان‌گونه که لندن برای برگردن خلا اتحادیه اروپا سعی می‌کند همراهی و همسویی بیشتری با واشنگتن داشته باشد، در آن سو آمریکا هم گوش شنوایی برای سیاست‌های انگلستان دارد. از این رو بدون شک بریتانیا نفوذ بسیار بالایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده دارد؛ کم‌اینکه لندن نقشی جدی و کلیدی در انعقاد پیمان آکواس و تنش بین پاریس و واشنگتن داشت. از آن طرف لندن علی‌رغم تنش‌های موجود با کرملین می‌تواند پویتری را به یک انعطاف در مواضع خود درباره بحران اوکراین بکشد؛ اما چرا این کار را نمی‌کند؟ چون از یک طرف تداوم تشدید جنگ در اوکراین می‌تواند اروپا را به یک بحران تمام‌عیار بکشد که بی‌شک بخشی از منافع بریتانیا بعد از خروج از اتحادیه اروپا را تأمین خواهد کرد. دوم اینکه در صورت تداوم فرسایشی‌شدن جنگ در اوکراین، نقش و نفوذ ناتو برای تأمین امنیت اروپا پررنگ‌تر خواهد شد. در این بستر قطعا سایه سنگین انگلستان بر اقتضانات امنیتی، دیپلماتیک، نظامی و دفاعی اتحادیه اروپا بیشتر می‌شود؛ چون اگر چه انگلستان از اتحادیه اروپا خارج شده است، اما بازیگری کلیدی در ناتو به شمار می‌رود و لندن از طریق ناتو می‌تواند بر تحولات اتحادیه اروپا نیز اثرگذار باشد و آن را در مسیر منافع و اهداف خود بی‌بگیرد. در این صورت نگاه اتکلساوسکی مشترک انگلیس و آمریکا بر کل اتحادیه اروپا حاکم خواهد شد و از این طریق نظم جدید مدنظر واشنگتن و لندن در کنار مرز روسیه در کل اروپا پیاده خواهد شد. پیرو این نکته من معتقدم احتمالا آمریکا و انگلستان حتی حاضرند با تحریک روسیه برای ادامه جنگ، نصف خاک اوکراین را هم به پوتین بدهند تا این نقشه پیاده شود. همین روند برای ایران هم درخصوص برجام صادق است که در دوره بوریس جانسون بی‌گرفته شد و در دوره لیز تراس هم ادامه خواهد یافت.

♦ **به همان نحوه شناخت دیپلماتیک تهران از اتحادیه اروپا و اعضای آن بازگردیم.** تا چه اندازه این عدم شناخت دیپلماتیک می‌تواند ناشی از سیاست، رفتار و نگاه آونگی ایران در حوزه دیپلماسی باشد؟ به هر حال در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی شعار محوری «نه شرقی، نه غربی» مطرح شد که در سال‌های دهه ۶۰ به واسطه اقتضانات جنگ تحمیلی تا حدودی عملیاتی شد، اما با آغاز دوران ریاست‌جمهوری هاشمی‌فرسنجانی و اقتصاد لیبرالی ذیل سیاست تنش‌زدایی، نگاه به غرب در دستور کار قرار گرفت که با روی کار آمدن دولت خامنی این سیاست ادامه پیدا کرد، ولی با دولت محمود احمدی‌نژاد ناگهان سیاست خارجی به سمت شرق، روسیه، چین، آمریکا لاتین و... رفت که با آغاز به کار دولت حسن روحانی این نگاه متوقف شد و عملا همه تهمع‌رغ‌های سیاست خارجی در سبد برجام و نگاه به غرب قرار گرفت. پیش از یک سال هم هست که دولت رئیسی ساز دیگری را در دیپلماسی کوک کرده‌است.

این نکته شما تا اندازه بسیار زیادی درست است. به هر حال ما باید مسئله را به صورت کامل و هم‌جانبه کالبدشکافی کنیم تا به درک درست برسیم. بنابراین اگر بخوایم آسیب‌شناسی در طرف خودمان داشته باشیم، باید اذعان کرد متأسفانه به دلیل افراط و تفریط در حوزه سیاست خارجی، ما نتوانستیم نه شناخت درستی از شرق داشته باشیم و نه به معرفت دیپلماتیکی درخصوص غرب برسیم. به هر حال اکنون روابط بین‌الملل به نقطه‌ای رسیده است که دیگر دهکده جهانی تعریف نمی‌شود، بلکه آن را (la maison) خانه بزرگ اطلاق می‌کنند. در این خانه بزرگ نمی‌توان با یک فرد خاص ارتباط داشت و کاری به دیگر افراد خانه نداشت. در این بین من معتقدم ذیل این افراط و تفریط، مشکل عمیق‌تر از نفوذ ما در روسیه، چین، اتحادیه اروپا، آمریکا و... است. علی‌رغم برخی از ادعاها اکنون ما نتوانستیم حتی در «اکو» به یک بهره‌بردار، خروجی و دستاورد ملموس برسیم. نکته مهم‌تری که باید به آن اشاره کرد این است که متأسفانه ما در سیاست خارجی خود بر اساس اقتضانات ژئوپلیتیک عمل می‌کنیم؛ در حالی که پیرو گفته‌هایم اما اگرچه از نظر ژئوپلیتیک بریتانیا یک بازیگر جدا از آمریکا است، اما سیاست واحد مشترک با واشنگتن دارد؛ کم‌اینکه در زمین همین سیاست و به صورت واحد پیش بردند و پیش از آن برای آغاز جنگ عراق همین بریتانیا و آمریکا بودند که باعث کشیدن پای کشورهای جهانی به جنگ عراق شدند، آن هم برخلاف نظر شورای امنیت و رای فرانسه، آلمان و روسیه. بنابراین اگر ما توانیم این پیچیدگی‌ها را بشکافیم و تبیین کنیم، احتمال ایجاد بن‌بست دیپلماتیک و عدم معرفت سیاسی از اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی وجود دارد.